

نگاه

تاثیر ژنتیک و خانواده در رفتار «دارا»

مریم رامشت*

■ این روزها در ساره پرونده قتل در خیابان گاندی زیاد صحبت می‌شود. دارا جوان ۲۰ساله‌ای است که به این قتل متهم شده.اگر بخوایم چرایی رفتارهای این جوان را بررسی کنیم باید به دو بعد تاثیر خانواده و بیماری خود دارا بپردازیم.از دیدگاه روانشناسی و جامعه‌شناسی خانواده اولین و مهم‌ترین نهادهی است که ساختار شخصیت کودک در آن شکل می‌گیرد.اگر خانواده درگیر آسیب باشد فرد نیز از آن تاثیر می‌پذیرد و آن را به جامعه منتقل می‌کند.اگر خانواده درگیر آسیب طلاق رسمی یا عاطفی، اعتیاد، بزهکاری و ورشکستگی اقتصادی باشد،نمی‌تواند فضای امنی را برای کودک ایجاد کند و فرد را دچار التهاب می‌کند.با توجه به اطلاعات موجود درباره دارا این فرد در خانواده‌ای سالم رشد نکرده است. هر چند پدر و مادر تحصیلات و موقعیت اقتصادی خوبی داشته‌اند اما به هر دلیلی در زندگی قبلی شکست داشته و با آن تجربه وارد زندگی جدیدی شده‌اند و دارا هم محصول زندگی دوم مادر بوده.وقتی زندگی مشترک در مرحله اول با شکست به پایان می‌رسد احتمال شکست در زندگی دوم بیشتر می‌شود.متأسفانه ازدواج والدین دارا احتمالاً عجلانه یا به دلیل انتقام یا برای فرار از مشکلات و شرایط خاص اقتصادی و خانوادگی انجام شده است. در چنین شرایطی احتمال ناسالمی و درگیری خانوادگی بیشتر می‌شود و احتمال اینکه فرد در معرض آسیب و ناملامت رفتاری و احساسی بیشتری قرار بگیرد افزایش می‌یابد.اولین موضوع این است که دارا در خانواده‌ای بوده که قطعا در آن آسیب‌های روانی و رفتاری دریافت کرده است.به این ترتیب در این مرحله آستانه مقاومت او پایین آمده و احساس ناامنی در وی ایجاد شده است. زندگی در این شرایط دشوار است و دارا هم تحت‌تاثیر همین شرایط قرار داشته. این شرایط بعدی که باید به آن توجه کرد این است که پدر و مادر دارا در ۹سالگی که سن ورود فرد از کودکی به نوجوانی است از هم جدا شده‌اند. کودکی که نیاز به خانواده، پدر و مادر و همانندسازی و الگوبرداری داشته در ۹سالگی تجربه نبود پدر یا مادر و طلاق را که احتمالا به خوبی انجام نشده پشت سر گذاشته‌است.همچنین گزارش شده‌است دارا از هفت‌سالگی مشکلاتی داشته است. با توجه به علایم اشاره‌شده درباره این متهم به نظر می‌رسد او شخصیت روان‌پریش و اختلال شخصیت مرزی دارد که می‌توان حدس زد در کودکی هم با مشکلاتی مانند بی‌قراری، بیش‌فعالی، احساس عدم‌امنیت و گراپی دایمی مواجه بوده که البته بخشی از این مشکلات عامل ژنتیکی دارد اما بیشترین عاملی که باعث می‌شود کودکان چنین مسایلی را داشته باشند جو خانوادگی است.اگر فردی به صورت ژنتیک بیش‌فعالی، اضطراب و بی‌قراری داشته باشد تا زمانی که شرایط محیطی فراهم نباشد این مشکلات به صورت بیماری نشان داده نمی‌شود در دارا هم ژنتیک نقش دارد چون هم رگه‌های اختلال دیده می‌شود و هم محیط پراضطراب. در خانواده‌های سه بریخته و مشکل‌دار پدر و مادر به جای اینکه به نقش تربیتی خود بپردازند درگیر اختلافاتی می‌شوند و از وظیفه تربیتی خود غفلت می‌کنند. معمولاً این کودکان در معرض سوءاستفاده عاطفی، احساسی، رفتاری و حتی جنسی قرار می‌گیرند که می‌تواند مشکلات بعدی را ایجاد کند. کما اینکه این فرد در کودکی احساس عدم امنیت داشته است. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که دارا از کودکی به دارودرمانی نیاز داشته اما پدر مقاومت و کودک را با شرایط دشواری روبه‌رو کرده است. حال آنکه اختلال بی‌قراری و بیش‌فعالی اگر با علم روانشناسی امروز تشخیص داده و به موقع درمان شود فرد می‌تواند زندگی عادی داشته باشد، اما در غریبان صورت اختلال شدیدتر می‌شود و اختلال شخصیت و روان‌پریشی بروز پیدا می‌کند.بنابر گفته‌های مادر «دارا» او از ۱۶سالگی سرقت را شروع کرده، به کلون اصلاح و تربیت رفته، سوءمصرف موادمخدر داشته و چند بار اقام به خودکشی کرده است که تمام این علایم نشان‌دهنده اختلال شخصیت مرزی و بیماری اساسی اعصاب و روان و نشانه‌های اصلی ناپایداری در خلق است که سوءمصرف موادنیز می‌تواند روی عملکرد او تاثیر بگذارد و مشکلات زیادی را به وجود آورد. رفتار چنین افرادی خیلی قابل پیش‌بینی نیست و اضطراب و افسردگی، گاهی احساس پوچی و به هیچ چیز پاینده نبودن و رفتار ننگه‌ای در چنین افرادی دیده می‌شود. همچنین در افرادی که اختلال شخصیت مرزی دارند اقدام به خودکشی و خودزنی با وسایلی تیز و برنده مانند چاقو و قلم زیاد دیده می‌شود و معمولاً ضو غیرحساس مانند شکم، بازو و ساعد از هدف قرار می‌دهند.چون در مرحله‌ای هستند که خشم زیادی را تجربه می‌کنند و آن را به محیط انتقال می‌دهند و برای رسیدن به خواسته خود، به خود و دیگران صدمه می‌زنند کما اینکه «دارا» برای رسیدن به قراری که با دختر مورد علاقه‌اش داشت موقعیت را درست ارزیابی نکرد و دست به سرقتی زد که به مرگ دختری جوان انجامید. همچنین علایم جنون در چنین اشخاصی دیده و بیمار گاه دچار توهم و هذیان می‌شود.ضمن اینکه دارا به سمت موادمخدر صنعتی رفته است که مستقیم روی مغز تاثیر می‌گذارد و سیستم کنترل رفتار را مورد هجوم قرار می‌دهد و باعث می‌شود فرد کنترل و نظارتی بر رفتار خود نداشته باشد تا جایی که رفتارهای هیجانی و پرخطر را خود نشان می‌دهد.اثر تاجره به موادمخدر و اعتیاد را در کودکی داشته و زمانی که نمی‌دانسته اعتیاد چیست توسط پدرش با مواد و اعتیاد آشنا شده است.اگر پدر و مادری اعتیاد داشته باشند احتمال گرایش فرزندان به موادمخدر بالا می‌رود و اختلال، خشوع‌های پنهانی ناشی از عملکرد خانواده و هیجان‌های نشان‌آورفته از آن فرد را در سمت شیشه و مواد می‌کنشاند. بنا بر آنچه گفته شد دارا در خانواده آسیب دیده صدمه خورده و بیمار شده و در نهایت بدون ارزیابی برای رسیدن به خواسته خود فرد دیگری را از بین می‌بردده است. این هم به دلیل آن است که چنین فردی نمی‌تواند عاقلتر از ارزیابی کند. حتی اگر عمل مجرمانه‌ای انجام دهد و آن را نکرد که به تدریج برای او عادی می‌شود و قیحتش را از دست می‌دهد و فرد به جایی می‌رسد که چیزی ندارد از دست بدهد.

■ روانشناس و استاد دانشگاه

شرق: رقابت دو مرد برای برقراری رابطه با دو زن جوان رنگ خون گرفت و یکی از آنها به دست دیگری کشته شد. متهم دیروز در دادگاه قتل را انکار کرد اما همدستش او را قاتل خواند.

به گزارش خبرنگار ما، مردی جوان ۲۱ فردورین سال گذشته به ماموران پلیس اسلامشهر خبر داد دوستش گم شده است. این مرد در توضیحی که به ماموران داد، گفت: «من و خسرو در نمایشگاه ماشین کار می‌کنیم. او امروز صبح به نمایشگاه نیامد. امکان نداشت بدون اینکه اطلاع دهد غیبت کند. با تلفن همراه «خسرو» تماس گرفتیم اما جواب نداد. مقابل خانه‌اش رفتم و زنگ زدم. کسی در باز نکرد اما صدای تلویزیونش بلند بود و فکر می‌کنم برایش اتفاقی افتاده است.»

وقتی ماموران در جریان این موضوع قرار گرفتند خود را به منزل خسرو رساندند و وارد خانه شدند. آن‌ترک جدید این مرد را در حالی که روی زمین افتاده بود پیدا کردند. وضعیت جسد نشان می‌داد او قربانی یک انتقام‌گیری شده‌است.

به دستور بازپرس ویژه قتل، جسد به پزشکی قانونی انتقال یافت و تحقیق از دوست خسرو آغاز شد. او گفت: «تا جایی که در جریان هستم خسرو با زنی به نام «آنی» رابطه داشت اما مدتی بود که تانیسا او را ترک کرده بود. خسرو می‌گفت ظاهراً شخص دیگری هم عاشق تانیسا شده است. این زن بدون اطلاع خسرو او را ترک کرده بود.»

گفته‌های این مرد را مدیر ساختمانی که خسرو در آن زندگی می‌کرد نیز مورد تایید قرار داد. او گفت: زنان زیادی به خانه خسرو رفت‌وآمد داشتند اما بیشتر از همه آنها زنی به اینجیا می‌آمد که خود را تانیسا معرفی می‌کرد. هربار معترض می‌شدم تانییا می‌گفت خسرو قرار است او را عقد کند. از یک هفته قبل دیگر این زن را ندیدیم می‌دانستم این اوخر با خسرو اختلافاتی پیدا کرده بود.

شرق: درگیری دو جوان با یکدیگر باعث شد برادرزاده یکی از آنها برادر دیگری را به قتل برساند. به گزارش خبرنگار ما کارآگاهان ویژه مبارزه با قتل پلیس آگاهی تهران ساعت ۲۱:۳۰ روز ۲۸ تیر از درگیری مرگبار در پارک نارون کپان‌شهر مطلع شدند و وقتی به محل حادثه رفتند، قه‌میدند ۲۳ ساله‌ای به نام مهدی بر اثر ضربات چاقو با درآمده و قاتل از صحنه درگیری متواری شده‌است. کارآگاهان با شناسایی تعدادی از شاهدان قتل و پرس‌وجو از آنها اطلاع پیدا کردند جوانی ۲۶ ساله به نام بهزاد به همراه عموی ۲۲ساله‌اش به نام فاضل، با مقتول و برادر وی درگیر شدند و در حین نزاع بهزاد با استفاده از قمه، مقتول را از ناحیه گردن و دست مجروح کرده و همراه عمویش با به فرار گذاشته‌است.

یکی از شاهدان در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: حدود ساعت ۲۱ در قسمت انتهایی پارک در حال قدم زدن بودم که متوجه شدم چند جوان با یکدیگر درگیر شده و برای همدیگر قمه و چاقو کشیده‌اند. ناگهان یکی از آنها با قمه بزرگی که همراه داشت ضربه‌ای به گردن مقتول وارد کرد که باعث بر زمین افتادن وی شد و شخص ضارب نیز به سرعت از محل متواری شد. مادر مقتول نیز در اظهاراتی گفت: پسرم حدود ساعت ۲۰:۳۰ از محل کارش به خانه بازگشته بود که برای خرید نوشابه و وسایل دیگر از خانه خارج شد اما حدود ساعت ۲۲ بود که خبر مرگ او را برای ما آورد. همچنین برادر مهدی پس از حضور در پایگاه پلیس آگاهی گفت: چند روز پیش در پارک نارون

پنج قاره

سسه سارق سابقه‌دار را هنگام سرقت از یک خودرو سواری شناسایی و دستگیر کنند. وی ادامه داد: «یکی از متهمان در حال سرقت بنزین از باک و دو نفر دیگر مشغول باز کردن در خودرو بودند که به دام افتادند و در بازجویی‌ها گفتند با استفاده از وسایلی که خودشان ساخته‌اند از باک خودروها بنزین سرقت می‌کردند و به فروش می‌رسانند. سرهنگ بیعت‌اصل در پایان افزود: «این متهمان در جریان تحقیقات انجام‌شده به ده‌ها فقره سرقت بنزین و لوازم داخلی خودروها اعتراف کردند.»

سرقت از باک خودروها

پلیس خبر: اعضای باندی که از باک خودروها بنزین سرقت می‌کردند، دستگیر شدند. سرهنگ قدرت‌الله بیعت‌اصل، فرمانده انتظامی گنجساران از توابع استان کهگیلویه وبویراحمد گفت: «با تشکیل پرونده‌ای درخصوص سرقت تعدادی خودرو شهروندان درخصوص سرقت لوازم داخلی خودرو و همچنین بنزین از باک خودروهایشان، اقدامات ماموران گشت انتظامی برای شناسایی و دستگیری متهم یا متهمان پرونده آغاز شد. سرهنگ بیعت‌اصل افزود: هدف‌هایی که احتمال سرقت در آنجا بیشتر بود، تحت نظر قرار گرفت و ماموران موفق شدند

پلیس خبر: اعضای باندی که از باک خودروها بنزین سرقت می‌کردند، دستگیر شدند. سرهنگ قدرت‌الله بیعت‌اصل، فرمانده انتظامی گنجساران از توابع استان کهگیلویه وبویراحمد گفت: «با تشکیل پرونده‌ای درخصوص سرقت تعدادی خودرو شهروندان درخصوص سرقت لوازم داخلی خودرو و همچنین بنزین از باک خودروهایشان، اقدامات ماموران گشت انتظامی برای شناسایی و دستگیری متهم یا متهمان پرونده آغاز شد. سرهنگ بیعت‌اصل افزود: هدف‌هایی که احتمال سرقت در آنجا بیشتر بود، تحت نظر قرار گرفت و ماموران موفق شدند

پنج قاره

نوزادربای در لباس پرستار

■ فاکس‌نیوز: زنی قصد داشت در لباس پرستاره، نوزادی را از یکی از بیمارستان‌های ایالت کالیفرنایی آمریکا برآید. این زن ۴۸ساله در لباس پرستار و با گذاشتن نوزاد دختر داخل کیسه‌ای پارچه‌ای قصد داشت او را از بیمارستان خارج کند اما هنگام عبور از خروجی بیمارستان کارکنان به او شک کردند و وی را به دام انداختند. سنخنگوی پلیس کالیفرنیا گفت: متهم به بهانه حمام کردن نوزاد، او را از مادرش جدا و نقشه‌اش را عملی کرد اما نگهبانان بیمارستان نوزاد را نجات دادند.

جادوگر جنایتکار

■ فرانس‌پرس: چهار کودک در هائیتی به دست جادوگری که مدعی بود می‌تواند بیماری رموز آنها را درمان کند، کشته شدند. این کودکان سه دختر و یک پسر بودند. بزرگ‌ترین‌شان هفت‌سال و کوچک‌ترین‌شان فقط ۱۵ماه داشت. به گفته همسایه‌ها زن جادوگر مدت‌ها بود که دنبال مادر این کودکان بود و می‌گفت شیطان روح بزرگ‌زنان را تسخیر کرده است و او می‌تواند آنها را رهایی بخشد. جادوگر همراه برادرش درمان خود را شروع کردند.

جنایت، پرده آخر رقابت عشقی



پلیس با توجه به سرنخ‌هایی که از تانیسا به دست آمد، در گام بعدی تحقیقات خود این زن را شناسایی کرد. او در بازجویی‌ها گفت از مرگ خسرو خبر ندارد اما فکر می‌کند جوانی به نام «نیمّا» او را کشته است. او گفت: نیمّا عاشق من شده بود و می‌دانست با خسرو رابطه دارم. مدتی بود به دلیل جرمی در زندان بود. به من گفته بود اگر بیرون بیایم و بفهمم هنوز با خسرو ارتباط داری تو را می‌کشم. من هم از ترس جانم بدون اینکه به خسرو بگویم او را ترک کردم. خسرو می‌دانست نیمّا عاشق من شده است. می‌گفت خودم با او صحبت می‌کنم. من نمی‌خواستم اتفاقی بیفتد به همین دلیل هم او را ترک کردم.

ماموران با به دست آوردن سرنخ از نیمّا متوجه شدند او مدتی است در خانه‌ای که به یکی از دوستانش به نام «سعید» تعلق دارد مخفی شده است. پلیس با محاصره خانه، نیمّا را بازداشت کرد. این مرد اعتراف کرد با همدستی دوستش دست به این قتل زده است و سعید هم در این قتل دست داشته است.

تحقیقات پلیس فاش کرد، سعید و اعضای خانواده‌اش به دلیل فساد اخلاقی با مردان زیادی در ارتباط بودند و خسرو هم یکی از آنها بود. در این بین وقتی سعید متوجه شد خسرو با دختر کوچکش رابطه برقرار کرده است تصمیم به انتقام گرفت و با نیمّا همدستی کرد و او را کشت. همچنین فاش شد آنها شب حادثه به عنوان میهمان به همراه نرگس و مریم -دختر و همسر سعید- به

خانه خسرو رفتند و بعد از صرف شام او را غافلگیر کردند و به قتل رساندند.

متهمان با اعتراف به نقشی که در قتل داشتند اتهامات‌شان را پذیرفتند و در نهایت ۲۲ بار با صدور کیفرخواست به دادگاه ارجاع شد. روز گذشته متهمان در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری‌استان تهران پای میز محاکمه رفتند. در ابتدا نماینده دادستان در جایگاه حاضر شد و بعد از تقدیم کیفرخواست درخواست صدور حکم قانونی کرد. سپس فرزندان خسرو در جایگاه ایستادند و برای قاتل درخواست صدور حکم قصاص کردند. همسر مقتول هم گفت: من و شوهرم رابطه خوبی داشتیم اما چون او کارش در تهران بود خانه‌ای مجردی گرفته بود و در تهران زندگی می‌کرد و ما در شهرستان دیگری بودیم. ما هیچ اختلافی با هم نداشتیم.

در ادامه نیمّا در جایگاه حاضر شد. او گفت: من در قتل نقش ندارم. مدتی بود در خانه سعید زندگی می‌کردم. می‌خواستم با دخترش نرگس ازدواج کنم و قصدم این بود که تانیّا را فراموش کنم. تا اینکه متوجه شدیم خسرو به دختر کوچک سعید تجاوز کرده است. سعید خیلی عصبی بود و گفت می‌خواهد انتقام بگیرد. نرگس هم از سر خواست پدرش را کمک کنم. من هم قبول کردم. آن شب به عنوان میهمان به خانه خسرو رفتم. به جز من و سعید نرگس و مادرش مریم هم بودند. شام خوردیم و بعد از شام خسرو یک شبکه ماهواره‌ای غیراخلاقی را روشن کرد. من و سعید که فرصت را مناسب دیدیم با خسرو

درگیر شدیم. من فقط دو چوب به سرش زدم بعد سعید او را با ضربات متعدد چاقو به قتل رساند. من هیچ نقشی در وارد آوردن ضربات چاقو نداشتم.

متهم در ادامه گفت: من و سعید هر کدام بعد از قتل، یک دست از لباس‌های مقتول را برداشتیم و پوشیدیم، لباس‌های خونی خودمان را هم به سطل زباله بیرون از خانه‌انداختیم.

بعد از نیمّا، سعید در جایگاه حاضر شد. او گفت: مدتی قبل جوانی دنبال همسرم افتاده بود. همسرم او را به خانه آورد و با هم آشنا شدیم. او گفت می‌خواهد با دخترم نرگس ازدواج کند و بعد از آن در خانه ما ماند. این‌طور بود که نیمّا وارد خانواده ما شد. من نمی‌دانستم او خودش را در خانه من پنهان کرده است و فکر می‌کرد واقعاً عاشق کوچکم پیش آمد. نیمّا خودش گفت حاضر است با من خسرو رفتم. من و نیمّا با هم خسرو را زدیم البته ضربات اصلی را نیمّا وارد کرد.

در ادامه وقتی دو متهم با هم مواجهه حضوری داشتند هر دو گفته‌های هم را انکار کردند.

سپس مریم در جایگاه حاضر شد. او گفت: من در قتل نقش داشتم و شوهرم بود که این نقشه را طراحی کرد. شوهرم می‌خواست هر طور شده خسرو را بکشد. آن روز هم وقتی خسرو ما را دعوت کرد و با هم به خانه این مرد رفتم، سعید دو چاقوی آشنیزخانه را کاملاً تیز کرد و یکی را به نیمّا داد و یکی را خودش برداشت بعد هم وقتی خسرو فیلم غیراخلاقی گذاشت آنها به سمتش رفتند و وی را کشتند.

بنا بر این گزارش با توجه به اینکه متهم ردیف چهارم از زندان به دادگاه منتقل نشده بود ادامه رسیدگی به بعد موکول شد.

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■